

انواع چهارگانه حدیث و احکام آنها در منظومه فقهی شهید ثانی

سید محمدرضا علوی^۱

چکیده

جایگاه درایه و ریزمسائل آن در منظومه فقهی روایی شهید ثانی و نگاه‌های خاص ایشان در این حوزه از جمله مطالبی است که تأثیرات فراوانی بر سیر فقه‌ای بعد از ایشان داشته است، اما به جهت آن که تحقیق موسع، یکپارچه و تطبیقی در این باره انجام نیافته، جایگاه مسائلی همچون تنويع رباعی حدیث در این منظومه روشن نیست، لذا پرسش‌های مرتبط با این موضوع در میان آثار مختلف فقهی، حدیثی، کلامی و اخلاقی شهید ثانی مسئله‌ای است که نیازمند کاویدن تا مرحله یافتن پاسخی درخور است. این پژوهش با هدف قراردادن ریزموضوع تنويع رباعی حدیث و جایگاه شهید ثانی در تأصیل آن به دنبال روشن نمودن بخشی از این منظومه فکری در سایه بررسی کتب شهید با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای بوده که نتیجه آن ارائه سیمایی واضح‌تر و با جزئیات بیشتر از موضوع مورد بررسی است.

واژگان کلیدی: تنويع رباعی حدیث، شهید ثانی، درایه، حدیث ضعیف.

تأسیس: ۶۳ (۴۱) ۱۳ هـ. ش



۱. مقدمه

شهید ثانی از جمله فقهای قرن دهم هجری قمری بوده به عنوان یکی از فقهای تاثیرگذار شناخته می‌شود؛ از جمله سرچشمه‌های اختلاف فتوای شهید ثانی با مشهور فقهای پیش از خود، نگاه او به دانش درایه و دیدگاه‌های خاص ایشان در این دانش است؛ تاثیر این نگاه‌ها تا بدانجا بوده است که برخی جنبش اخباری‌گری را واکنشی به رویکرد حدیثی ایشان دانسته و گروهی دامنه زمانی تاثیر مکتب شهید را تا زمان محقق خویی امتداد داده‌اند. نخستین تک‌نگاری در دسترس شیعه در دانش درایه از ایشان است و اگرچه تنويع رباعی حدیث ابداع شهید نیست، اما تأسیل و رواج این تنويع مرهون عظمت علمی و تلاش‌های ایشان است. شهید ثانی را به عنوان پایه‌گذار مکتب وثوق سندی روایات دانسته‌اند؛ امتداد این مکتب را می‌توان در علمای بزرگی چون فرزند و نوه ایشان و محقق اردبیلی پیگیری نمود؛ تاثیرگذاری و عظمت علمی شهید ثانی در کنار نقش پر رنگ ایشان در تأسیل تنويع رباعی حدیث نگارنده را به این پژوهش واداشت.

بررسی مکتب حدیثی شهید ثانی و خصوصاً تاثیرات آن بر فتاوی ایشان به گونه‌ای تطبیقی چندان مورد توجه نبوده و تنها در برخی نگاشته‌ها به آن اشاره شده است؛ به عنوان نمونه علیه رضاداد در کتاب خود مکتب حدیثی جیل‌عامل^۱ به مناسبت جیل‌عاملی بودن شهید ثانی گاه از ایشان سخن گفته یا ناصر نجفی گاه به مناسبت روش‌شناسی شهیدین^۲، نکاتی درباره نگاه‌های حدیثی شهید ذکر نموده است؛ همچنین حسن حیدری^۳ نیز فصلی را به بررسی دیدگاه‌های رجالی شهید ثانی اختصاص داده است. (هرچند برخی از مسائل بررسی شده بیشتر مرتبط

۱. رضاداد، علیه (۱۳۹۴). مکتب حدیثی جیل‌عامل از قرن هشتم تا نیمه قرن پانزدهم هجری (چاپ اول).

مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۲. نجفی، ناصر (۱۴۰۰). روش‌شناسی شهیدین علیهم‌السلام محوریت لمعه و شرح آن (چاپ دوم). قم: انتشارات دارالفکر.

۳. حیدری، حسن (۱۳۹۸). دیدگاه‌های اجتهادی و فقهی شهید ثانی در قواعد و اصول فقهی (چاپ اول).

تهران: قانون بار.



با دانش درایه هستند) ربانی بیرجندی به مناسبت مقایسه دو مکتب وثوق صدوری و وثوق سنندی^۱ به مقایسه میان شهید ثانی و آقا جمال خوانساری پرداخته و برخی مقالات ارائه شده در کنگره^۲ شهیدین نیز برخی مؤلفه‌های مرتبط با دانش درایه و تنويع رباعی حدیث در نگاه شهید ثانی را بن‌مایه پژوهش خود قرار داده‌اند.

در کنار تمام ویژگی‌های مثبت و نقاط قوت نوشته‌های پیشین، شوربختانه گاه آشنایی اندک نویسندگان با متون شهید ثانی باعث لغزش آن‌ها شده و از سوی دیگر پژوهش‌ها چنان که در این مقاله رقم خورده است به بررسی تطبیقی نگاه ایشان در این مسئله با روند افتایشان پرداخته‌اند. نگارنده با التفات به این نکات به بررسی تنويع رباعی حدیث در نگاه شهید ثانی در آثار ایشان می‌پردازد. بی‌گمان این پژوهش خالی از اشکال نبوده اما امید است حرکتی به سوی بررسی دقیق‌تر دیدگاه‌های شهید ثانی در دانش درایه و تاثیر آن‌ها بر روند افتای ایشان باشد.

۲. کلیات و مفاهیم

از آنجا که مسئله تنويع رباعی حدیث از مسائل علم درایه است که لوازم و ثمرات فقهی دارد، در ابتدا نگارنده به توضیح درباره درایه در لغت و اصطلاح و سپس جایگاه درایه در نگاه شهید ثانی می‌پردازد.

۱-۲. درایه در لغت

درایه از ریشه «دری، یدری» است؛ برخی از اهل لغت آن را مترادف با علم دانسته‌اند. (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۸، ص ۵۸؛ ابن‌عباد، ۱۴۱۴ ق، ج ۹، ص ۳۴۳؛ جوهری، ۱۳۷۴ ق، ج ۳، ص ۲۳۳۵؛ زمخشری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۶) برخی همچون ابو‌هلال عسکری درایه را به معنای فهم و اعم از علم دانسته‌اند. (عسکری، ۱۴۰۰ ق، ص ۸۴) برخی دیگر شاید با توجه به اینکه معنای دیگر «دری» که «تخادع عن

۱. ربانی بیرجندی؛ وثوق صدوری و وثوق سنندی، دیدگاه‌ها؛ فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی). ش ۲۰ - ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۸۷، صص ۲۰۷ - ۱۴۵.

۲. کنگره بین‌المللی شهیدین (۱۳۸۸). مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی شهیدین (چاپ اول). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.



غفلة» است، (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۴، ص ۱۱۰؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۳۸) معنای آن را معرفی می‌کند که با نوعی چاره‌جویی حاصل شده است می‌داند. (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۳۱۲) و برخی دیگر آن را اخص از علم و به معنای علم مسبوق به شک دانسته‌اند. (زیبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۴۰۳)

۲.۲. درایة در اصطلاح

تعبیر درایة در حیطه علوم حدیث در کلمات منسوب به معصومین علیهم‌السلام بیشتر در مقابل روایت و به معنای فهم عمیق روایات به کار می‌رفته است؛ به‌عنوان نمونه شیخ صدوق در معانی الاخبار می‌نویسد: «أَبِي رَحِمَهُ اللهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بُرَيْدِ الرَّزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَا بُنَيَّ اعْرِفْ مَنَازِلَ الشَّيْخَةِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَايَةُ لِلرَّوَايَةِ وَ بِالذَّرَايَاتِ لِلرَّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابٍ لِعَلِيِّ عليه السلام فَوَجَدْتُ فِي الْكِتَابِ أَنَّ قِيَمَةَ كُلِّ امْرِئٍ وَ قَدْرُهُ مَعْرِفَتُهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُجَاسِبُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي دَارِ الدُّنْيَا.»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۰۳، صص ۱ و ۲)

رفته رفته با فاصله گرفتن از عصر معصومین علیهم‌السلام این اصطلاح بیشتر معطوف به حوزه سندشناسی شد و به عنوان علمی مستقل در مجموعه دانش‌های حدیثی جای گرفت. (رضاداد، ۱۳۹۴، ص ۱۸۱) امروزه در نگاه برخی از حدیث‌پژوهان دانش درایة الحدیث متوجه سند و متن حدیث است.^۲ (سبحانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴)

در نگاه شهید ثانی دانش درایة متوجه راوی و مروی و به هدف شناختن حدیث مقبول و مردود از یکدیگر است. (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۴۹)

۳.۲. درایه در نگاه شهید ثانی

شهید ثانی در منیة المرید جایگاه درایه را پس از اصول فقه و قبل از قرائت حدیث می‌داند.

۱. روایت در الاصول الستة عشر نیز آمده است، ن. ک: عده‌ای از علما، ۱۳۶۳، ص ۳.

۲. هرچند این بحث محل اختلاف است برخی دیگر مدعی هستند که امروزه در نگاه حدیث‌پژوهان دانش درایة تنها متوجه سند حدیث است (رضاداد، ۱۳۹۴، ص ۱۸۱) و دخالت مروی نیز یا استطراد است یا در حدودی است که به کشف اختلال یا حل اختلال سند روایت پردازد.



اهمیت بحث‌های سندی در نگاه ایشان تا آنجاست که دایره این بحث‌ها را به روایات اعتقادی نیز تسری داده (شهید ثانی، ۱۴۰۹ ق، صص ۸۹-۸۷ و ۱۰۲-۱۰۰) و به علامه حلی به خاطر عدم رعایت اصطلاحات این علم اعتراض می‌نماید. در خلال بحث‌های آینده نمونه‌هایی از سخت‌گیری شهید ثانی در رعایت موازین دانش درایه خواهد آمد.

شهید ثانی، صاحب معالم، فرزندش شیخ محمد و سید محمد عاملی از جمله علمای طرفدار مکتب و ثوق سندی روایت هستند.^۱ شهید ثانی ملاک‌هایی هم‌چون وجود کتاب در یکی از اصول اربع‌مانه، شهرت روایی، نقل روایت از مشایخ ثلاث، قاعده اصحاب اجماع، عرضه کتاب بر امام و راویان صدوق را به چالش کشیده است، هرچند گاهی در عمل به گونه‌ای دیگر عمل نموده است.^۲ یکی دیگر از مظاهر نقش پررنگ درایه در فقه شهید ثانی جلوه تام پذیرش تنويع چهارگانه احادیث و تأثیر لوازم آن است.

۳. تنويع چهارگانه احادیث نزد شهید ثانی

چنان‌که بیان آن گذشت شهید ثانی تنويع رباعی حدیث را پذیرفته است؛ در ادامه این موضوع ضمن بررسی هریک از انواع چهارگانه حدیث بر مبنای تنويع رباعی و آثار آن در افتاء شهید ثانی ثابت می‌گردد؛

۱-۳. حدیث صحیح

شهید ثانی حدیث صحیح را حدیثی می‌داند که سند آن در تمامی طبقات به واسطه عدول^۳

۱. برای توضیحات بیشتر مراجعه کنید: ربانی بیرجندی؛ وثوق صدوری و وثوق سندی، دیدگاه‌ها؛ فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، ش ۲۰-۱۹، بهار و تابستان ۱۳۸۷، صص ۲۰۷-۱۴۵.

۲. برای توضیحات بیشتر ن. ک: کنگره بین‌المللی شهیدین، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۰۸ تا ۱۱۴؛ علوی؛ قرائن اعتبار حدیث نزد قدما در نگاه شهید ثانی، نگاه دو فصلنامه علمی اطلاع‌رسانی شهیدین. ش ۱۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۱۲۴-۱۱۳.

۳. راه‌های کشف عدالت راوی در نگاه شهید ثانی عبارتند از: معاشرتی که باعث اطلاع از حال راوی شود، اشتها به عدالت، شهادت عدلین. ایشان همچنین تعدیل عدل واحد را نیز مشهور بین اصحاب می‌دانند. (حافظیان بابلی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۱۸) ظاهر رفتار شهید ثانی در توثیق عمر بن حنظله و صحیح دانستن روایت او



امامی مذهب به معصوم برسد، اگرچه که متن آن شاذ باشد. (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۶۵) با عنایت به اعتقاد شهید ثانی مبنی بر این که متن حدیث جز در موارد نادر هم چون حدیث مقلوب، مضطرب، مصحف و مزید، در دانش درایه جایگاهی ندارد، بلکه در این دانش قوت و ضعف حدیث با عنایت به روایت آن تعیین می‌شود. (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۶۴ - ۱۶۳) فرزند شهید قید («و ان اعتراه شذوذ») را مرتبط با بحث مرجحات دانسته است که در فقه الحدیث بررسی می‌شود و ارتباطی به تنويع رباعی حدیث ندارد. (ابن شهید ثانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۸)

(شهید ثانی، ۱۴۱۳، ق، ج ۷، ص ۴۴۲ و ۴۴۴) (ایشان وثاقت او را نزد خود با وجود اهمال اصحاب ثابت می‌دانند. (حافظیان بابلی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۹۲)) بر پذیرش وثاقت و بلکه عدالت با تعدیل واحد است زیرا ظاهراً مستند این توثیق یکی از دو مورد ذیل است: ۱. روایتی در مواقیح الصلاة: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ زَيْدِ بْنِ خَلِيفَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ عُمَرَ بْنَ حَنْظَلَةَ أَتَانَا عَنْكَ بَوَّيْتُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا لَا يَكُذِبُ عَلَيْنَا قُلْتُ ذَكَرْنَا أَنَّكَ قُلْتَ إِنَّ أَوَّلَ صَلَاةٍ افْتَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوَّلَ صَلَاةٍ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ لَمْ يَمْنَعَكَ إِلَّا سُبْحَتُكَ (۱) ثُمَّ لَا تَزَالُ فِي وَقْتٍ إِلَى أَنْ يَصِيرَ الظِّلُّ قَامَةً وَهُوَ آخِرُ الْوَقْتِ فَإِذَا صَارَ الظِّلُّ قَامَةً دَخَلَ وَقْتُ الْعُضْرِ فَلَمْ يَزَلْ فِي وَقْتِ الْعُضْرِ حَتَّى يَصِيرَ الظِّلُّ قَامَتَيْنِ وَذَلِكَ الْمَسَاءُ فَقَالَ صَدَقَ. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۷۹)؛ هرچند ممکن است چند اشکال به این بیان شود: اولاً شهید ثانی در مواضعی دیگر از روایتی از عمر بن حنظله تعبیر به مقبوله نموده‌اند و نه صحیحه. (به عنوان نمونه: شهید ثانی، ۱۳۷۴، ص ۳۲۱) ثانیاً با توجه به نگاه شهید ثانی در عدم حجیت روایات موثقه باید توجه داشت که یزید بن خلیفه در طریق این روایت رمی به وقف شده است و نصی بر وثاقت او نیز در دست نیست ثالثاً شهادت معصوم وزان یکسانی با شهادت عدل واحد ندارد رابعاً در روایت به بیش از شهادت بر وثاقت او دلالتی نیست و این برای تصحیح روایات عمر بن حنظله کافی نیست. ۲. روایت دیگری در باب قنوت نماز جمعه از عمر بن حنظله در استبصار نقل شده است: عَنْهُ عَنْ فَصَالَةَ عَنْ أَبِيَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقُنُوتُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقَالَ أَنْتَ رَسُولِي إِلَيْهِمْ فِي هَذَا إِذَا صَلَّيْتُمْ فِي جَمَاعَةٍ فَيُفِي الرُّكْعَةَ الْأُولَى وَإِذَا صَلَّيْتُمْ وَحْدَانَا فَيُفِي الرُّكْعَةَ الثَّانِيَةَ. (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۱۷) ممکن است شهید ثانی از رسول بودن او به سمت مومنین حجیت قول و در نتیجه عدل امامی بودن او را استفاده کرده باشند؛ همچنین پاسخ امام موافق با مذهب شیعه و مخالف تقیه نیز بوده و خود مویدی بر تشیع اوست. اما از سوی دیگر راوی این روایت خود عمر بن حنظله است و ضمناً شهید ثانی در هیچ جای دیگری ملازمه بین پیام‌رسان امام بودن و وثاقت را تصریح یا اشاره نکرده‌اند. به هر حال نگارنده به مستند دیگری برای اثبات صحیح بودن روایات عمر بن حنظله در نظام فکر شهید ثانی در دانش درایه دست نیافت.



شایان توجه است که وی عمل به روایات صحیح را به شرط عدم شدوذ و معارضه با سایر اخبار صحیح می‌داند. (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۱ - ۱۷۰) او تصریح می‌نماید که گاهی لفظ صحیح به گونه‌ای از احادیث که سلسله روایت آن خالی از طعن در امامی و عادل بودن باشد، اگرچه مرسله یا مقطوعه باشد، اطلاق گشته است. (همان، ص ۱۶۶) همچنین ایشان در برخی مواضع از مفهومی به نام صحت اضافی سخن گفته است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، صص ۲۰، ۱۰۴ و ۲۳۲؛ ج ۱۳، ص ۳۳؛ ج ۱۰، ص ۳۸۲...) در بعضی نسخ مسالک در توضیح این اصطلاح گفته شده است: «صحة حدیث محمد بن قیس إضافية، بمعنی صحة طریقه‌ی محمد، و أما هو نفسه فإنه مشترك بين الثقة و غیره كما هو مشهور. بخطه...». (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۳۰۳) فرزند شهید نیز درباره این تعبیر می‌فرماید: «و قد تحرر مما أوضناه أن الصَّحَّة إذا وقعت وصفا للحدیث أفادت سلامة سنده كَلَّة من أسباب الضَّعف، و كذا إذا وصف بها الإسناد بکماله، و هي في الموضوعين جاریة علی قانون الاصطلاح المتحقق، و أما إذا وصف بها بعض الطریق فهي استعارة مقترنة بها القرينة، و یقی إطلاقها - في صورة الإضافة إلى بعض الرواة - علی جملة السند مع اشتماله علی موجب الضَّعف، و ليس له وجه مناسب و إنما هو محض اصطلاح ناش عن توهم كما بیَّناه، و الأولى هجره رأسا لبعده عن الاعتبار و إضراره بالاصطلاح السابق، و إن كان قد یكثر في كلام أواخر المتأخرین استعماله فلیترك لهم، و یجعل استعمالا مختصا بهم.» (ابن شهید ثانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۵)

۲-۳. حدیث حسن

شهید ثانی حدیث حسن را حدیثی می‌داند که مخبر آن امامی ممدوحی باشد که درباره وی نصی دال بر عدالت صادر نشده است؛ خواه همه راویان حدیث چنین باشند، خواه یکی از آنها چنین و ما بقی افراد منطبق با ضابطه حدیث صحیح باشند. شهید همچون حدیث صحیح در اینجا نیز اشاره می‌دارد که گاهی به روایتی که تا بخشی از سند آن حسن بوده و بعد از آن به قطع یا ارسال دچار شود یا ضعیفی بر آن عارض گردد نیز حسنه گفته شده است. (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۶۸)

از برخی عبارات شهید می‌توان درجه‌ای از ضعف در حدیث حسن نسبت به حدیث صحیح را نیز استفاده کرد.^۱ (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۱۲۵ و ج ۸، ص ۱۵۹) به علاوه در

۱. عبارت شهید در صفحه ۱۲۵ از جلد ۷ چنین است: «و أما الروایات فهي بأسرها مشتركة في عدم صحة السند ما عدا الرابعة. أما الأولتان فعائيتان. و أما الثالثة ففيها - مع كونها من الحسن لا من الصحیح - قصور الدلالة.»

موضوعی در تعارض بین حسنه مشهوره مویده به روایت ضعیفه و صحیحه فتوا به صحیحه را (به شرطی که مقابل اجماع نباشد) قوی می‌داند. (همان، ج ۳، ص ۳۱۴) از بارزترین مواضع التزام شهید ثانی به اصطلاحات علم درایه می‌توان به نظر ایشان درباره روایات ابراهیم بن هاشم اشاره کرد؛ شهید او را از اجلای ممدوحین دانسته و او را نخستین کسی که حدیث را در قم منتشر کرد معرفی نموده است و حسنه او را در قوت صحیحه دانسته، در تعارض با روایت صحیحه، حسنه او را با اعتضاد به عمل مشهور اصحاب و مضمون برخی دیگر از اخبار ترجیح داده است، (شهید ثانی، بی تا الف، ص ۲۵۶) اما بر حسنه بودن روایت او اصرار دارد.^۱ (همو، ۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۱۳۶) و به علامه به خاطر عدم رعایت اصطلاح علم درایه و اطلاق تعبیر صحیحه بر روایات او خرده می‌گیرد و این مسئله را از امهات مسائل می‌داند. (همان، ج ۶، صص ۴۵ - ۴۴) حاصل آنکه شهید اگرچه درجه‌ای از ضعف را برای حدیث حسن قائل است، اما عمل به آن را در مواضعی جایز می‌داند. (همو، بی تا الف، ص ۲۵۶)

۳-۳. حدیث موثق

شهید ثانی موثق را روایتی می‌داند که همه طبقات آن از سوی امامیه توثیق شده باشند، اما حداقل یکی از افراد سلسله روات، غیر امامی باشد. (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۶۹) شهید ثانی گاهی از این احادیث به عنوان ضعیف و گاهی به عنوان موثق نام برده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۶، ص ۴۳؛ همو، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۴، ص ۳۰۶؛ همان، ج ۹، ص ۱۴۵ و ج ۱۲، ص ۵۱۳ و ج ۱۳، ص ۶۵؛ همو، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ص ۲۳۳) شاید اطلاق واژه ضعیف از حیث ضعف عمل به آن باشد. شهید ثانی البته ظاهر نهی در آیه نبأ را شامل راوی غیر امامی ثقه نمی‌داند. (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۱۷۰ - ۱۶۹) اما شرط

همچنین شهید برای دفاع از مصنف کتاب در صفحه ۱۵۹ از جلد ۸ وجوهی را بدین شرح ذکر می‌کند: «و أجاب المصنف عنها بأمرين: أحدهما: ضعف السند، فإنها ليست من الصحيح، لأن في طريقها سهل بن زياد، وهو ضعيف. ولها طريق آخر حسن فيه إبراهيم بن هاشم، ولم يبلغ حدّ الثقة وإن كان ممدوحا.»

۱. گاه خروج از مبنا یا خروج از اصطلاح یا مجاز گویی در آثار شهید ثانی دیده می‌شود. (به عنوان نمونه ن. ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۳۱۸ اطلاق صحیحه بر روایت حلبی با وجود ابراهیم بن هاشم در طریق روایت و همچنین اطلاق آن بر روایت عبدالرحمن در حالی که ابان در طریق آن است.)



پذیرش روایت را به اجماع نزد شیعه، ایمان دانسته و در توضیح عمل اصحاب به احادیث ضعیف و موثقه می‌گوید: (... فی) کثیر من (أبواب الفقه، معترین عن ذلك) العمل المخالف لما أفتوا به فی أصولهم من عدم قبول رواية المخالف (بانجبار الضعف) الحاصل للراوي بفساد عقیدته و نحوه (بالشهرة) أي شهرة الخبر و العمل بمضمونه بین الأصحاب، فیمکن إثبات المذهب به و إن ضعف طریقته. (همان، ص ۲۱۷) و تصریح می‌دارد که عمل به موثقه خروج از قید ایمان (در شرایط راوی) است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۶، ص ۱۵۶) او البته به ثقه بودن برخی از این راویان همچون عثمان بن عیسی، سماعة و عمار بن موسی در عین فساد مذهب تصریح کرده است. (شهید ثانی، بی تا الف، ص ۱۸۳) و در مواقع اضطرار و ناچاری فتوا به موثقه را تجویز نموده است. (همان، صص ۲۱۸ - ۲۱۷) نمونه‌های رد حجیت موثقه در تالیفات شهید ثانی بسیار است. (به عنوان نمونه ن. ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۴، ص ۱۳ و ج ۲، ص ۴۸۰ و ج ۶، ص ۳۸) به علاوه چنان‌که بیان آن گذشت، شهید روایت اصحاب اجماع غیر امامی را نیز نمی‌پذیرد.^۱ شهید علاوه بر عامه، فتوا به روایات راویان شیعه غیر اثنا عشریه همچون زیدیه، بتریه، فطحیه و واقفیه را نیز تضعیف می‌کند. (به عنوان نمونه ن. ک: شهید ثانی بی تا الف، ص ۱۱۱؛ همو، ۱۴۱۳ ق، ج ۹، ص ۴۷۱ و ج ۱۰، ص ۲۵۴ و ۲۹۲ و ج ۹، ص ۳۶۹) از جمله این روایات می‌توان به نام‌های ذیل اشاره کرد:

حفص بن غیاث (همان، ج ۵، ص ۹۹) و پدرش، (همان، ج ۹، ص ۶۸ و ۷۷) سهل بن زیاد، (همان، ج ۱۵، ص ۳۸۹) مسعدة بن صدقة، (همان، ج ۱۱، ص ۴۸۲) عمرو بن شعیب، (همان، ج ۱۳، ص ۳۹) اسماعیل بن زیاد سکونی، (همان، ج ۱۳، ص ۲۸۶؛ همو، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۲۲۳؛ همو، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۴، ص ۷۷) (از عامه)؛

حسن بن صالح بن حی (همان، ج ۴، صص ۲۲۶ - ۲۲۵ و ج ۶، ص ۲۲۴)، طلحة بن زید

۱. با آنکه به وثاقت برخی از آنها که به سبب فساد مذهب فتوا به روایتشان را روا نمی‌دانند تصریح نموده‌اند. برای توضیح بیشتر ن. ک: علوی؛ قرائن اعتبار حدیث نزد قدما در نگاه شهید ثانی، نگاه دو فصلنامه علمی اطلاع رسانی شهیدین. ش ۱۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۱۲۴ - ۱۱۳.
۲. در اینجا تضعیف روایت راوی به خاطر فساد مذهب در آثار شهید مدنظر بوده است اعم از آنکه شهید آنها را ثقه بدانند یا ندانند.



(شهید ثانی، بی تا الف، ص ۳۶۴)، غیاث بن ابراهیم (همو، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۱۰۸۲؛ همو، ۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۴۱)، سلمه بن کهیل (همان، ج ۱۵، ص ۵۱۰) (از بتریه)؛
ابن عقده (همو، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۹۲۶)، زید بن علی، حسین بن علوان و عمرو بن خالد (همو، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۰، ص ۲۹۲ و ص ۲۵۴) (از زیدیه)؛
ابان بن عثمان (از ناووسیه)؛

عبد الله بن بکیر، حسن بن علی بن فضال^۱، علی بن حسن بن فضال (همان، ج ۶، ص ۲۰)،
احمد بن حسن بن علی بن فضال (همان، ج ۱۴، ص ۲۰۱ و ج ۶، ص ۳۰۹)، اسحاق بن عمار
ساباطی (همان، ج ۸، ص ۱۰۶)، عمار بن موسی ساباطی (همان، ج ۷، ص ۲۲۱)، یونس بن
یعقوب^۲ (همان، ج ۱۱، ص ۴۶۹)، مصدق بن صدقه (شهید ثانی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۱۰۶۵)، محمد
بن ولید (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۵، ص ۴۱۸)، معاویه بن حکیم (همان، ج ۷، ص ۵۹) (از فطحیه)؛
عثمان بن عیسی و سماعه (همو، بی تا الف، ص ۱۸۳)، موسی بن بکر (همو، ۱۴۱۳ ق، ج ۷،
ص ۱۲۸)، احمد بن فضیل (شهید ثانی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۱۰۶۱)، حمید بن زیاد (همان، ج ۲، ص ۹۵۸)؛
شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۳۲۰)، زرعه و حسین بن مختار (همان، ج ۱۱، ص ۴۶۹)، ابو سعید مکاری
(همان، ج ۲، صص ۶۷ - ۶۶)، علی ابن ابی حمزه بطائی (همان، ج ۸، ص ۱۷۴)، احمد بن زیاد (همان،
ج ۶، ص ۱۶۹)، داوود بن حصین (همان، ج ۶، ص ۲۰)، حسن بن سماعه (همان، ج ۹، ص ۷۶)، حنان
بن سدیر (همان، ج ۷، ص ۳۰۰)، عبدالکریم بن عمرو (همان، ص ۴۰۲)، حسین بن موسی الحنظ
(همان، ص ۴۰۳)، یحیی بن قاسم الاسدی (همان، ج ۸، ص ۵۰)، حسن بن محمد بن سماعه (همان،
ج ۱۳، ص ۲۶۸)، ابراهیم بن ابی شمال (همان، ج ۹، ص ۳۶۸)، اسماعیل بن عمر (همان، ج ۱۲، ص
۹۷)، امیه بن عمرو (همان، ج ۱۴، ص ۷۷)، ابراهیم بن عبدالحمید اسدی (همان، ص ۳۰۶)، علی بن
الحسن طاطاری (همان، ج ۷، ص ۴۷۶)، وهیب بن حفص^۳ (همان، ج ۹، ص ۵۳۴) (از واقفیه)؛

۱. شهید دلالت نقل کشی بر ایمان او را غیر واضح می‌دانند. (شهید ثانی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۹۳۱)

۲. البته شهید روایات موثق را به عنوان موید و شاهد می‌پذیرد به عنوان نمونه: شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۸، ص ۲۲۶.

۳. البته در حاشیه خلاصه الاقوال شهید می‌گویند: «و کیف کان فذكر المصنف هنا رواية و هيب بن حفص عن حماد لا

يظهر له فائدة؛ لجهالة حال المذكور أو ضعفه بالوقف.» (شهید ثانی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۹۵۵)



و هارون بن مسلم (همان، ج ۷، ص ۲۲۰) (از مشبهه و مجبره).

به علاوه شهید عمل به روایت غالیان (یا متهمان به غلو) را نیز تضعیف نموده است؛ از آن

جمله می‌توان به نام‌های پیش رو اشاره کرد:

ابوالخطاب (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۰۸)، احمد بن کلثوم و اسحاق بن محمد بصری (همو، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۹۲۵)، سهل بن زیاد (همو، بی تا الف، ص ۲۶۱)^۱، صالح بن عقبه (همو، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۲۶۶)، عبدالله بن عبدالرحمن اصم (همو، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۱۶۵)، عبدالله بن قاسم^۲ (همان، ج ۷، ص ۴۵۳ و ج ۸، ص ۸۲)، علی بن اشیم (همان، ج ۳، ص ۳۹۴)، محمد بن جمهور عمی (همو، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۹۹۲)، محمد بن حسن بن شمون (همو، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۱۶۵)، محمد بن سنان (همان، ج ۱۱، ص ۴۵۶)^۳، محمد بن فرات (همان، ج ۱۵، ص ۴۱۸)، محمد بن عبدالله بن مهران (همان، ج ۱۱، ص ۳۷۶)^۴، محمد بن فضیل (همان، ج ۷، ص ۴۷۳)، ابوجمیل^۵ مفضل بن صالح (همان، ج ۱۱، ص ۴۵۸)، مفضل بن عمر^۶ (همان، ج ۸، ص ۱۶۹)، موسی بن سعدان (همان، ج ۷، ص ۴۵۳)^۷، منخل بن جمیل^۸ و یوسف بن یعقوب^۹ (همو، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۹۲۸).

۱. البته چنان که گذشت شهید در جایی او را عامی معرفی می‌نمایند. ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۳۸۹) اما ابن غضائری، نجاشی و آیت الله خوئی او را متهم به غلو دانسته‌اند. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۸۵؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، صص ۶۶-۶۷؛ خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، صص ۳۵۸-۳۵۴)
۲. ظاهراً با توجه به موسی بن سعدان در منبع اول عبدالله بن قاسم حضرمی مراد باشد اما مورد دوم مشکوک بین او و بین عبدالله بن قاسم حارثی و عبدالله بن قاسم است.
۳. البته مستند غالی بودن او نیز نقل ابن غضائری است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۲۹۵)
۴. ن. ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۵۰ و شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۳۹۲.
۵. البته شهید خطابی بودن او را با عبارت «قیل» یاد می‌کند.
۶. شهید اشاره‌ای به اتهام غلو او ندارد؛ ابن غضائری درباره او می‌گوید: «ضعیف، فی مذهب غلو» (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ص ۹۰)
۷. کشی اتهام او به غلو را گزارش و ابن غضائری در مذهب او غلو را گزارش داده است. (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۶۴؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ص ۸۹)
۸. ابن غضائری او را مرتفع القول دانسته است. (همان، ص ۱۰۲)



نصر بن صباح (همان، ص ۹۹۲)، عبدالله بن بحر (همان، ج ۱، ص ۱۰۳)، یوسف بن سخت^۱ (همان، ج ۲، ص ۱۰۱۴)، یزید بن صانع (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۰۸) و یونس بن ظبیان^۲ (ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۲۶).

۱-۳-۳. حدیث قوی

در مطالعه درایه گاه خواننده با اصطلاح حدیث قوی مواجه می‌شود. این اصطلاح در دانش درایه منقح نیست. در این مجال تنها به بیان نگاه شهید ثانی اکتفا می‌شود. شهید معتقد است که گاهی بر روایتی که در سلسله آن راوی امامی غیر ممدوح و مذموم باشد، واژه قوی اطلاق می‌گردد؛ (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۰) وی همچنین اطلاق لفظ قوی بر روایت موثقه را نیز گزارش می‌کند. (همان، ص ۱۶۹)

۴-۳. حدیث ضعیف

شهید ثانی حدیث ضعیف را حدیثی می‌داند که شروط لازم برای موثقه، حسنه یا صحیح بودن را نداشته باشد، سپس تنبه می‌دهد که احادیث ضعیف همانند احادیث صحیح و موثق دارای درجه‌بندی هستند و در نهایت توضیح می‌دهد که گاهی اصطلاح ضعیف در کلام علما بر بخشی از مصادیق^۳ (یعنی روایت مجروح) اطلاق می‌شود. (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۱۷۱ - ۱۷۰) شهید ثانی حدیث ضعیف را به‌عنوان مؤید و شاهد می‌پذیرد، (به‌عنوان نمونه ن. ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص ۲۵۲ و ۲۵۳) اما به‌روشنی آن را برای افتاء معتبر نمی‌داند. ضعف حدیث در نگاه شهید ثانی دلایلی دارد از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. ابن الغضائری غلو او را ادعا کرده است. (همان، ص ۱۰۳)

۲. ابن الغضائری او را عالی دانسته است. (همان، ص ۱۰۱)

۳. حدیث ضعیف مصادیق متعددی دارد؛ گاه اطلاق ضعیف به خاطر مجهول العین بودن حداقل یکی از روایات است گاه به سبب مجهول الحال بودن و...



۱-۴-۳. ضعف‌های راجع به راوی

از اسباب ضعف حدیث در نگاه شهید ثانی می‌توان به ضعف‌های مرتبط با راوی اشاره کرد؛ این ضعف‌ها در نگاه شهید، خود مستند به عواملی چند است؛ از آن جمله به موارد ذیل اشاره می‌شود:

۱-۱-۴-۳. کذب و وضع راوی

شهید ثانی عدالت را شرط قبول روایت راوی دانسته و یکی از مصادیق عدالت را ضبط بودن^۱ در روایت می‌داند، (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۱۵ - ۲۱۴) از همین جا واضح می‌شود که کذب و وضع خروج از عدالت راوی خواهد بود و روایت او مقبول نیست. شهید برخی از دلایل وضع حدیث را چنین بر می‌شمرد: تقرب به سلاطین، ارتزاق، جذب قلوب به سمت خداوند عز اسمه، افساد دین و نصرت رای و مذهب خود. شهید راویانی چون ابوالخطاب، یونس بن ظبیان، یزید الصائغ، نوح بن ابی مریم، عبدالکریم ابن ابی العوجاء (همان، ۲۰۸ - ۲۰۶؛ همو، بی تا الف، ص ۲۶۱)، صالح بن عقبه (همو، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۵، ص ۴۵۲)، محمد بن حسن بن شمون، محمد بن سنان (همان، ج ۷، ص ۲۱۸) و وهب بن وهب (همان، ج ۱۲، صص ۵۷ - ۵۶) را به این دلیل تضعیف کرده است. همچنین محمد بن موسی (احتمالاً همدانی) که توسط شهید تضعیف شده است (همان، ج ۱۳، ص ۴۰۰) از سویی متهم به کذب و از سوی دیگر متهم به غلو بوده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۸؛ ابن الغضائری، ۱۴۲۲ ق، ص ۶۲ و ۹۴؛ حلی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۵)

۲-۱-۴-۳. فساد مذهب

از برخی تعابیر شهید ثانی برمی‌آید که فساد مذهب گاه باعث تضعیف راوی و ورود روایت او به حیطة روایات ضعیفه است و گاه اگرچه روایت از دایره روایات موثقه خارج نمی‌شود، اما هم‌چنان اعتبار لازم برای افتاء را دارا نمی‌باشد. (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۱۶ و ۲۱۷)

۱. در توضیح ضبط می‌فرماید: «بمعنی کونه حافظا متیقظا إن حدّث من حفظه، ضابطا لکتابه إن حدّث منه، عارفا بها

یختلّ به المعنی إن روی به.» (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۳۳)



۳-۱-۴-۳. مجهول بودن راوی

شوشتری به تفاوت اصطلاح مجهول قبل از شهید ثانی و بعد از او چنین اشاره می‌دارد: «و من الفروق: الفرق بين كلمة «مجهول» في كلام العلامة و ابن داود و بينها في كلام المتأخرين، فإتّما في كلامها عبارة عمّن صرح أئمة الرجال فيه بالمجهولية، و هو أحد ألفاظ الجرح... و أمّا في كلام المتأخرين - من الشهيد الثاني و المجلسي إلى المصنّف - فأعمّ منه و من المهمل الذي لم يذكر فيه مدح و لا قدح.» (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۴) البته نباید فراموش نمود که شهید گاهی از اصطلاح مجهول العین استفاده می‌نماید. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۴۶۷ و ج ۶، ص ۳۸) ظاهراً این اصطلاح از درایه اهل سنت و به معنای آن راوی است که هویتش برای عالم رجالی نامشخص است. (رحمان ستایش، بی تا، ص ۲۰) به هر روی، شهید معمولاً اصطلاح مجهول را در معنای اعم استعمال می‌نماید.

شهید ثانی مجهول بودن راوی را باعث ضعف سندی روایت می‌داند. (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۰) شهید روایات حاوی بیش از ۱۰۰۰ راوی را به دلیل مجهول بودن تضعیف نموده است. نگارنده به جهت رعایت اختصار از ذکر نام آن‌ها صرف نظر می‌کند.

۳-۱-۴-۴. اشتراک راوی

شهید ثانی در توضیح اصطلاح متفق و مفترق می‌گوید: «اگر نام روایان یک روایت و نام پدرانشان و اجدادشان یکسان باشد، اما هویت متعدد داشته باشند، به چنین حالتی متفق و مفترق گفته می‌شود.» (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۷۷) ابن‌الشهید اشتراکی که بین ثقه و غیر ثقه باشد را منافی صحیح دانستن روایت می‌داند. (ابن شهید ثانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۵) شهید نیز اگرچه راه‌هایی برای تشخیص راوی پیشنهاد می‌کند،^۱ (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۲۷۸ - ۲۷۷)

۱. از آن جمله است مقایسه اسناد کتب اربعه باهم، توجه به زمان و توجه به طبقه. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۱۳۶) حافظیان بابلی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۷۸) شهید در فوائد القواعد می‌گوید: «فقد ظنّ كثير من علمائنا كونها مردودة بسبب اشتراك محمد بن قيس بين الثقة والضعيف، وإن كان طريقها إليه صحيحاً. والحقّ محمد بن قيس الذي يروي عن الصادق عليه السلام غير محتمل للضعيف، و أنّها المشترك بينهما من يروي عن الباقر عليه السلام؛ نعم يحتمل كونه ممدوحاً خاصةً و موثقاً فيحتمل حينئذ كونها من الحسن و من الصحيح. أمّا الضعف فلا.» (شهید ثانی، بی تا، ص ۲۴۷)



اما سند روایاتی را به دلیل وجود افراد مشترک بین ثقه و غیر آن تضعیف می‌نماید. حتی در جایی که احتمال ثقه بودن مشترک را ظاهر غالب به ظن می‌داند هم چنان بر آن است که اصل اشکال سندی از میان نمی‌رود. (شهید ثانی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۸۸) در موارد بسیاری شهید روایتی را که در سند آن ابوبصیر ذکر شده است به همین دلیل تضعیف نموده است. (برای نمونه، ن. ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۳، ص ۱۷۱ و ج ۲، ص ۴۰۲ و ج ۹، ص ۱۴۳) و در جای دیگر درباره علی بن الحکم می‌گوید: «و الرجل المذكور في الرواية يمتثل كونه كل واحد من هؤلاء فلا تكون الرواية صحيحة، خصوصا الأولين فان طبقتها واحدة و روايتها كثيرة، و مجرد الظن بأنه الأول - من حيث إن أحمد بن محمد يروي عنه كثيرا - غير كاف في الحكم به.» (همان، ج ۷، ص ۶۰) از جمله اسماء مشترکی که در متن سند وجود داشته و شهید به سبب آن روایت را تضعیف کرده است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ابان (همان، ج ۱۴، ص ۲۲۲)، ابن سنان (همان، ج ۸، ص ۸۲)^۱، محمد (همان، ج ۱۱، ص ۳۷۱)، محمد بن علی (همان، ج ۸، ص ۵۴)، وهب (همان، ج ۸، ص ۳۷۵)، محمد بن فضیل (همان، ج ۸، ص ۳۶۵)، قاسم بن محمد (همان، ج ۹، ص ۴۷۹)، قاسم و منصور (همان، ج ۱۰، ص ۱۵۲)، محمد بن سلیمان (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۷۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۴، ص ۴۲۳)، عبدالله بن عبدالرحمن (همان، ج ۱۴، ص ۴۶۷)، سلیمان (همان، ص ۴۹۰)، محمد بن عبدالله (همو، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۷۴)، محمد بن قیس (راوی امام باقر علیه السلام) (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۷۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۹، ص ۱۰۹)، بکر بن محمد ازدی (همو، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۱۰۳۳)، نصر (همان، ص ۱۰۱۴)، عمرو بن سعید بن هلال (همان، ج ۱، ص ۹۹)^۲، محمد بن اسحاق (و در بعضی نسخ محمد بن حسن) (همان، ج ۲، ص ۱۰۱۰)، محمد بن بشیر (همان، ص ۱۰۵۸)، حماد (همو، بی تا الف، ص ۶)، علاء (همو، ۱۴۰۹ ق، ص ۸۸)، عیسی بن عبدالله (همو،

۱. به عنوان نمونه ذکر این مورد خالی از فایده نیست که فرزند شهید ثانی می‌گوید با شناخت مروی عنه می‌توان

اشتراک بین محمد بن سنان و عبدالله بن سنان را از بین برد. (ابن شهید ثانی، ۱۳۶۲، ص ۳۶)

۲. در پاورقی آمده است: في هامش عدّة من النسخ: «وجه التردد أنّ عمرو بن سعید بن هلال غير معلوم، و إنّ أريد به

عمرو بن سعید المدائني فهو فطحي، و الظاهر أنّه ليس هو؛ لأنّ هذا يروي عن الباقر علیه السلام و ذاك يروي عن الرضا علیه السلام و

من بعده» (منه رحمه الله).



۱۴۱۳ ق، ج ۱۴، ص ۲۲۵)، ابوسعید (همان، ج ۸، ص ۱۲)، ابوخدیجه (همان، ج ۱۲، ص ۵۳۸)، اسماعیل (در حاشیه برخی نسخه‌های مسالک) (همان، ج ۱۱، ص ۳۹۶)، برقی (همان، ج ۷، ص ۴۶۷)، حسین بن محمد (همان، ج ۱۳، ص ۳۳۵)، شعیب (همان، ج ۱۲، ص ۹۷)، عباس (همان، ج ۷، ص ۱۲۸)، عبدالکریم (همان، ج ۹، ص ۱۴۳)، علی بن احمد (همان، ج ۱۱، ص ۳۰۴)، علی بن الحکم، محمد بن عیسی (همان، ج ۱۲، ص ۳۱)، محمد بن موسی (همان، ج ۱۳، ص ۴۰۰) و محمد بن فضیل (همان، ج ۸، ص ۶۵).

۴-۳-۵. تضعیف مبهم و عواملی دیگر

شهید ثانی شرط پذیرش جرح راوی را ذکر سبب آن دانسته است. (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۱۹) در ادامه شهید بیان می‌دارند که اگرچه جرح‌های موجود در کتب رجال عمده بدون ذکر دلیل بوده در نهایت در فرض اشراط ذکر سبب، فایده‌ای بیش از اتهام به ضعف ندارند، اما همین مقدار از تردید به اندازه کافی شک‌برانگیز است تا فقیه را از فتوا به روایات آن بازدارد. (همان، صص ۲۲۱ - ۲۲۰) شهید ثانی به همین جهت برخی از روایات را تضعیف کرده است. از آن جمله می‌توان به ابراهیم بن عمر (همو، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۹۹۲؛ ابن الغضائری، ۱۴۲۲ ق، ص ۳۶) اشاره نمود. تضعیف روایت که راجع به راوی است در آثار شهید گاهی دلایل دیگری نیز دارد؛ به عنوان نمونه احتمالاً مواردی چون کثرت تفرد به غرائب (شهید ثانی، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۰۲) و درهم آمیختگی احادیث صحیح و سقیم یا والی امویان بودن^۱ باعث تضعیف راوی شده‌اند.

۴-۳-۲. اضطراب

اضطراب در حدیث عبارت است از حدیثی که راوی (یا راوی‌ها) به گونه‌های متفاوتی آن را نقل کرده باشند؛ چه این اضطراب در متن حدیث باشد، چه در سند آن، البته اضطراب به شرطی رخ می‌دهد که هر دو روایت با یکدیگر مساوی باشند و هیچ‌کدام بر دیگری ترجیح نداشته باشد.

۱. شهید در موضعی حدیثه بن منصور را ضعیف می‌داند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۴، ص ۴۰۹) در کتب رجال این دو دلیل برای تضعیف او ذکر شده است. (ن. ک: ابن الغضائری، ۱۴۲۲ ق، ص ۵۰ و ص ۱۱۷؛



(شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۰۲) اضطراب در حدیث به دو گونه تصویرپذیر است؛ اضطراب در متن و اضطراب در سند.

۱-۲-۴-۳. اضطراب در سند

اضطراب در سند از موارد ضعف روایت (همان، ص ۱۳۰) و الحاق آن به حدیث ضعیف است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۲۸۶) شهید ثانی اضطراب در سند را در قالب یک مثال چنین تبیین می‌دارد: یک راوی یک بار روایتی را از پدرش از جدش و یک بار مستقیماً از جدش و بار دیگر از غیر آن‌ها نقل کند. (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۰۲) شهید به نمونه‌هایی از اضطراب سندی در لا به لای آثار خود اشاره می‌نماید؛ از آن جمله روایتی است که محقق و شهید اول آن را صحیح خوانده‌اند، اما شهید ثانی صحیح بودن آن را مردود دانسته، و به شرطی که روایت تہذیب را مقدم بر استبصار ندانیم، آن را مضطرب می‌داند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۷، صص ۱۷۸-۱۷۷)

۲-۲-۴-۳. اضطراب در متن

شهید ثانی اضطراب در نسخه را باعث تضعیف روایت (به معنای عدم اعتبار برای افتاء) می‌دانسته و می‌فرماید که اضطراب مطلقاً مانع از عمل به مضمون حدیث است. (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۰۳) در رفتار عملی شهید نیز همین نکته دیده می‌شود. (شهید ثانی، بی تا الف، ص ۹۵)

۳-۴-۳. اضمار

مضمّر حدیثی است که در آن گوینده مشخص نشده باشد، بلکه با ضمیر به صورت مبهم ذکر شده باشد؛ شهید ثانی روایاتی که به حسب سلسله روایت صحیح اما مضمّر باشند را نیز معتبر نمی‌داند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۳۷) روشن است: از آنجا که برای اتصال سند به معصوم در صحیح، حسنه یا موثقه دانستن روایت لازم است، اما در روایت مضمّر چنین اتصالی مشکوک است، نمی‌توان آن را صحیح دانست، لذا در دایره احادیث ضعیف قرار می‌گیرد.

۴-۴-۳. موقوف بودن

شهید ذیل اقسام حدیث ضعیف در توضیح موقوف می‌گوید: «الموقوف؛ و هو ما روی عن



مصاحب المعصوم من قول أو فعل، متصلاً كان أو منقطعاً. و قد يطلق في غير المصاحب مقبداً، مثل: "وقفه فلان على فلان". و قد يطلق على الموقوف: "الأثر" إن كان الموقوف عليه صحابياً للنبي ﷺ، و على المرفوع: "الخبر". (شهيد ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۲۹)

شهيد حجيت موقوف را على الاصح مطلقاً نمی پذیرد. (همان، ص ۱۳۰ و ۱۹۵)

۵-۴-۳. مقطوع بودن

در توضیح اصطلاح مقطوع شهید به دو تعریف اشاره می‌دارند:

۱. مقطوع عبارت است از آنچه که از اقوال یا افعال تابعین معصوم علیهم‌السلام برسد. شهید می‌گوید به این حدیث منقطع نیز گفته می‌شود. (همان، ص ۱۹۵)
 ۲. گاهی مقطوع در کلام شهید به معنای عام «هر حدیثی که حکم در آن به امام مستند نشده است» آمده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۳، ص ۲۳۸؛ همو ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۷۶)
- شهید تذکر می‌دهد که در بسیاری از موارد فقها به موقوف در معنای اعم مقطوع گفته‌اند. (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۹۵) روشن است که نسبت حدیث موقوف با توضیح دوم از اصطلاح مقطوع عموم و خصوص مطلق است.
- این‌گونه روایات در نگاه شهید ثانی حجت نبوده، (همان) ضعیف هستند. (همان، ص ۱۳۰)
- همچنین شهید ظن به اتصال مقطوعه به امام را برای حکم به روایت کافی نمی‌داند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۴۰۳)

۱-۵-۴-۳. ارسال در سند

شهید ثانی ضمن بر شمردن اقسام حدیث ضعیف در تعریف مرسل می‌گوید: «المرسل؛ و هو ما رواه عن المعصوم من لم یدرکه بغير واسطة، أو بواسطة نسیها، أو ترکها، أو أهمها. و قد یخص المرسل بإسناد التابعي إلى النبي ﷺ من غير ذکر الواسطة. و يطلق عليه: المنقطع و المقطوع بإسقاط شخص واحد، و المعضل بإسقاط أكثر». (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۳۰) به نظر شهید تعبیری همچون «عن بعض اصحابنا» و «رواه عن رجل» نیز روایت را از ارسال خارج نمی‌سازد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۴۸۳) شهید ثانی به طور کلی ارسال را مانع از عمل به مضمون روایت



انواع چهارگانه حدیث و احکام آنها در منظومه فقهی شهید ثانی | ۱۰۱

می‌داند. (همان، ج ۷، ص ۳۱۴) هرچند گاه در سیره عملی شهید استثنائاتی به چشم می‌خورد. (علوی؛ قرائن اعتبار حدیث نزد قدما در نگاه شهید ثانی، نگاه دو فصلنامه علمی اطلاع رسانی شهیدین. ش ۱۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۱۲۴ - ۱۱۳)

۴. نتیجه

از آنچه بیان آن گذشت روشن شد که شهید ثانی ضمن ایفای نقش گسترده در تاصیل تنويع رباعی حدیث، بر رعایت مصطلحات درایة و قواعد مبتنی بر آن در فرآیند افتاء تاکید فراوانی دارد؛ خروج از مبنا در آثار شهید ثانی به شدت نادر است و ایشان فی الجمله افتاء به روایت صحیحه، حسنه و در شرایط خاصی موثقه را تجویز و در موارد متعددی روایات موثقه و ضعیفه را از چرخه افتاء خارج نموده است. ضعف حدیث در نگاه ایشان به ضعف راوی به دلایلی چون کذب و وضع، فساد مذهب، جهل به راوی، اشتراک راوی و تضعیف‌های مبهم یا اضطراب، اضمار، قطع و یا ارسال روایت باز می‌گردد.

تأسیس: ۶۳ (۴۱) ۱۳ هـ. ش



فهرست منابع

۱. ابن الغضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ ق). *الرجال* (چاپ اول). قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ ق). *معانی الأخبار* (چاپ اول). قم.
۳. ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین (۱۳۶۲). *منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان* (چاپ اول). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۴. ابن عباد، صاحب (۱۴۱۴ ق). *المحیط فی اللغة* (چاپ اول). بیروت: عالم الکتاب.
۵. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ ق). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة* (چاپ اول). بیروت: دارالعلم للملایین.
۷. حیدری، حسن (۱۳۹۸). *دیدگاه‌های اجتهادی و فقهی شهید ثانی در قواعد و اصول فقهی* (چاپ اول). تهران: قانون یار.
۸. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ ق). *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة* (چاپ پنجم).
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). *مفردات ألفاظ القرآن* (چاپ اول). بیروت: دار القلم.
۱۰. ربانی بیرجندی؛ وثوق صدوری و وثوق سنندی و دیدگاه‌ها؛ فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی). ش ۲۰ - ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۸۷، صص ۲۰۷ - ۱۴۵.
۱۱. رحمان ستایش، محمدکاظم (بی تا). *رجال اهل سنت*. قم: دانشگاه قرآن و حدیث.
۱۲. رضاداد، علیه (۱۳۹۴). *مکتب حدیثی جبل عامل از قرن هشتم تا نیمه قرن پانزدهم هجری* (چاپ اول). مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۳. زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). *تاج العروس من جواهر القاموس* (چاپ اول). بیروت: دارالفکر.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۶). *مقدمة الادب* (چاپ اول). تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل.



انواع چهارگانه حدیث و احکام آنها در منظومه فقهی شهید ثانی | ۱۰۳

۱۵. سبحانی، جعفر (بی تا). *أصول الحدیث وأحكامه في علم الدرّاية*. دار احیاء التراث العربیة.
۱۶. شوشتری، محمد تقی (۱۴۱۰ق). *قاموس الرجال*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۷۴). *تمهید القواعد*. قم: مکتب الإعلام الإسلامی. مرکز النشر
۱۸. _____ (۱۳۹۰). *البداية والرعاية لحال البداية* (در ضمن کتاب رسائل فی درایه الحدیث) (چاپ چهارم). قم: موسسه علمی فرهنگي دار الحدیث.
۱۹. _____ (۱۴۲۱ق). *رسائل الشهيد الثاني*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۰. _____ (۱۴۰۹ق). *حقائق الإيمان مع رسالتی الإقتصاد والعدالة*. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی رحمته الله.
۲۱. _____ (۱۴۱۰ق). *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية* (چاپ اول). قم: مکتبه الداوری.
۲۲. _____ (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۲۳. _____ (بی تا الف). *روض الجنان في شرح ارشاد الأذهان*. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۲۴. _____ (بی تا ب). *فوائد القواعد*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۵. _____ (۱۴۰۹ق). *منية المرید* (چاپ اول). قم.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳). *الإستبصار فيما اختلف من الأخبار* (چاپ چهارم). تهران.
۲۷. عدهای از علماء (۱۳۶۲). *الاصول الستة العشر* (چاپ اول). قم: دار الشبستری.
۲۸. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). *الفروق فی اللغة* (چاپ اول). بیروت: دارالآفاق الجدیدة.
۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۱). *ترتیب خلاصة الأقوال في معرفة الرجال* (چاپ اول). مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.



۳۰. علوی، سید محمدرضا؛ *قرائن اعتبار حدیث نزد قدما در نگاه شهید ثانی*، دو فصلنامه علمی اطلاع‌رسانی نگاه مدرسه شهیدین علیه السلام. ش ۱۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۱۲۴ - ۱۱۳.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). *العین* (چاپ دوم). قم: دارالهجرة.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *اصول کافی* (چاپ اول). تهران: الاسلامیه.
۳۳. کنگره بین المللی شهیدین (۱۳۸۸). *مجموعه مقالات کنگره بین المللی شهیدین* (چاپ اول). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۴. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ ق). *اختیار معرفة الرجال* (چاپ اول). قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۳۵. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال النجاشی* (چاپ ششم). قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۳۶. نجفی، ناصر (۱۴۰۰). *روش شناسی شهیدین علیهم السلام با محوریت لمعه و شرح آن* (چاپ دوم). قم: انتشارات دارالفکر.